

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال یازدهم
شماره ۱۲۲ اسفند ماه ۱۳۸۹ - مارس ۲۰۱۱

همبستگی با خلقهای عرب مکمل مبارزه با جمهوری اسلامی است

امسال باید برگزاری روز انقلاب ایران و حوادث بعد از آن را در پرتو انقلاب خلقهای عرب مورد بررسی قرار داد. بزرگداشت انقلاب در حالی بود که رژیمهای مستبد اعراب یکی بعد از دیگری فرو می ریختند و حکومتهایی که به ملت‌های خود تکیه نداشتند و عامل امپریالیسم و یا صهیونیسم در منطقه بودند فرار را بر قرار ترجیح می دادند. مبارک فرار کرد و حتی حامیانش می ترسند... ادامه در صفحه ۴

خطر جنگ

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب خطر جنگ در اثر بحران مالی سرمایه داری و گرفتاریهای آمریکا در عراق و افغانستان، و بر اثر تضادهای میان اروپا، چین، روسیه با این سیاست آمریکا، موقتا کاهش یافته است. شرکت مستقیم آمریکا در جنگ عراق و افغانستان به رهبران نظامی آمریکا نشان داده است عواقب تجاوز به ایران بقدری... ادامه در صفحه ۶

پیام به کارگران

همه چرخها در سکون ماند اگر کارگر این چنین خواهد
نقل از اسناد کنگره چهارم حزب کار ایران (توفان)

ما شرکت کنندگان در چهارمین کنگره حزب کار ایران (توفان) به شما کارگران ایران و جهان درود می فرستیم. شما تنها طبقه ای هستید که با نیروی کار خود اقتصاد جهان را به گردش در می آورید و نعم مادی جامعه بشری را می آفرینید اما خود کماکان از آن بهره ای ندارید و در اکثر نقاط جهان زندگی خود را در زیر خط فقر... ادامه در صفحه ۶

قطعنامه در مورد غنی سازی اورانیوم در ایران

نقل از اسناد کنگره چهارم حزب کار ایران (توفان)

حزب کار ایران (توفان) غنی سازی اورانیوم در ایران را حق مسلم مردم ایران می داند و تحریکات سلطه جویانه امپریالیستها را علیه حقوق ملت ایران محکوم می کند. حزب کار ایران (توفان) پژوهشهای علمی و پیشرفت... ادامه در صفحه ۷

مسئله هسته ای

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب

ماهیت مبارزه ای که امروز در سطح جهان در مورد دستیابی به نیروگاههای هسته ای در گرفته است چیست؟ بنظر حزب ما این مبارزه ماهیتا یک مبارزه ملی و بر ضد منافع توسعه طلبانه امپریالیستهاست. امپریالیستها از هم اکنون می خواهند انحصار انرژی جهان را در دست گیرند و ملت‌های... ادامه در صفحه ۸

توفان بر فراز کشورهای عربی

و ریاکاری امپریالیستها و صهیونیستها و عمال ایرانی آنها

توفانی که در تونس وزید و تومار رژیم بن علی زین العابدین را درهم پیچید و موجب فرار او از کشور شد به کشور مصر و سپس به یمن و اردن و... سرایت کرد و ارکان رژیمهای دیکتاتوری و ارتجاعی را به لرزه درآورد. این جنبشها تا همینجا دست آوردهای مهمی داشته و موجب شور و تحرک انقلابی در آفریقا و آسیا گشته و خلقها را در موضعی تعرضی در مقابل رژیمهای ارتجاعی، امپریالیستها بویژه امپریالیست آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل در منطقه خاورمیانه قرار داده است. توفانی که بپا شده است ریشه در فقر عمومی، بیکاری... ادامه در صفحه ۸

طنز تاریخ، دو انقلاب در ۲۲ بهمن، انقلاب ایران و انقلاب مصر

طنز تاریخ بسیار آموزنده است. در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب شکوهمند بهمن تومار رژیم سلطنت را درهم نوردید و یک رژیم دزد، غارتگر، مستبد و نوکر امپریالیسم و همدست صهیونیسم را از ایران اخراج کرد. انقلاب ایران سلطنت را در تاریخ ایران برای همیشه منقرض نمود و دست امپریالیستها و صهیونیستها را از تعیین سرنوشت سیاسی مردم ایران کوتاه کرد. در ایران روز فرار شاه را میلیونها مردم ایران با پایکوبی جشن گرفتند و این روز روز همه پرسى از مردم ایران برای انقراض سلطنت بود. این روز روزی است که ضد انقلاب مغلوب در ایران آنرا برسمیت نمی شناسد. این روز روز بیان قاطع نظر اکثریت مردم ایران است که ضد انقلاب مغلوب ایران حاضر نیست نظر اکثریت مردم ایران را بپذیرد و به آن احترام بگذارد. روزی که شاه رفت ۳۰ میلیون در ایران جشن گرفتند ولی ضد انقلاب مغلوب با بی شرمی آنرا نمی پذیرد و به رای تاریخی مردم ایران گردن نمی نهد و مدعی است تنها تصمیمی را قبول دارد که منافع آنها را تامین کند. ضد انقلاب مغلوب ایران ضد دموکرات و مستبد و ریاکار باقی مانده است و فکر می کند با جعل تاریخ به مدد مشتى روشنفکر خود فروخته قادر است مسیر تاریخ ایران را عوض کند. انقلاب ایران دستاوردهای فراوانی داشت علیرغم اینکه... ادامه در صفحه ۲

به حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

طنز تاریخ، دو انقلاب...

روحانیت بیاری تشکل مورد حمایت شاه، سنتهای مذهبی مورد حمایت شاه، توانائی مالی و روابط جهانی، همدستی رویزیونیستها با آنها و تسلیم ارتش به خمینی در سر بزنگاه بدستور آمریکا موفق به کسب رهبری انقلاب شد و انقلاب را به کژراهه کشاند و با شکست روبرو ساخت، ولی همین انقلاب شکوهمند در ایران تأثیرات عظیمی از خود چه در داخل ایران و جهان و چه در منطقه باقی گذارد که تأثیرات آن تا به امروز نیز مشهود است. دسیسه های امپریالیسم و صهیونیسم بر ضد ایران از جنگ تحمیلی گرفته تا تهدید به جنگ و محاصره اقتصادی و قلداری برای نقض حقوق مسلم مردم ایران تا به مردم منطقه درس عبرت دهند تا هرگز به انقلاب دست نزنند تا کنون با شکست روبرو شده است. آنچه را که امپریالیسم از خارج نتوانسته با موفقیت عملی کند ارتجاع در حکومت با سرکوب مردم و نقض حقوق انسانها و سرکوب خواستهای دموکراتیک آنها و نادیده گرفتن این واقعیت که حاکمیت ملی ناشی از نیروی ملت است و نه استبداد ولی فقیه، تمام عرصه های لازم برای متمر ثمر نمودن دسیسه های امپریالیسم و صهیونیسم جهانی را فراهم می آورد. حکومتی که به مردمش متکی نباشد هرگز قادر نخواهد بود در مقابل دسیسه های دشمنان مردم ما با موفقیت عمل کند. این است که بار دیگر این تجربه تاریخ ثابت می میکند که مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم بدون مبارزه پیگیر برای تحقق دموکراسی، بی آینده و ناموفق است. بدون حضور مردم در صحنه و شرکت آنها در روند مبارزه اجتماعی که ناشی از وجود دموکراسی در کشور است امکان ندارد بتوان یک جبهه محکم در مقابل امپریالیستها بنا نهاد. درهم شکستن حاکمیت ایران به یک مسئله زمانی تبدیل شده است.

انقلاب ایران شکست خورد ولی انقلاب ادامه دارد و هنوز طبقه مرتجع حاکم نتوانسته است حرکت انقلابی مردم ما را که به خاطر آرمانهای دموکراتیک و انسانی خویش به میدان آمدند و به تحقق آنها دست نیافتند را، مهار کند. روند انقلاب ایران که از زمان مشروطیت آغاز شده است تا دست یافتن مردم به خواستهایشان ادامه خواهد یافت. انقلاب ایران شکست خورد زیرا نتوانست به همه خواستهای خود دست یابد ولی نیروهای مترقی و انقلابی ایران مهر خویش را بر انقلاب کوبیدند و مانع شدند که روحانیت ارتجاعی بتواند علیرغم همه سرکوبها و جنایاتش صدای بر حق مردم ایران را خفه کند. ایران بیش از سی سال است که در شرایط اضطراری زندگی می کند. ایران بیش از سی و دو سال است که حکومت نظامی مخفی را تحمل می کند ولی هرگز حاکمیت روحانیت و مافیای سرمایه داری کنونی نتوانسته است آمال

انقلابی مردم ایران را که آنها بخاطر آن در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به خیابان آمدند از آنها بگیرد. مبارزه مردم ایران منجر به تفرقه در درون حاکمیت سیاه ارتجاعی سرمایه داری برای ادامه بقا خودشان شده است. همین اصلاحگران کنونی نتیجه فرعی مبارزه انقلابی مردم ایران هستند. این تجربه انقلابی باز به اثبات رسید که اصلاحات همواره محصول فرعی انقلاب است. در روند مبارزه انقلابی است که بخشی از حاکمیت حاضر می شود به اصلاحات گردن نهد. از قدیم گفته اند به مرگ بگیر تا به تب راضی شود. هیچ حاکمیتی با رضا و رغبت به اصلاحات تن در نمی دهد.

انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ چهره ایران و منطقه را دگرگون ساخت. امنیت صهیونیستهای اسرائیلی و صدور بی مانع جریان نفت از عربستان سعودی به آمریکا را به خطر انداخت. به رشد جنبشهای ضد امپریالیستی و صهیونیستی در جهان منجر شد و کرسیهای مرتجعین را در منطقه لرزان ساخت. شکست انقلاب شکوهمند بهمن ایران مانند شکست انقلاب مشروطیت ایران پایان مبارزه مردم ایران نبود و نیست و این مبارزه برای تحقق خواستهای تاریخی مردم ما با نیرو و قدرت بیشتری به پیش می رود. انقلاب ایران تنها موقتا شکست خورده است ولی انقلاب ادامه دارد.

در ۲۲ بهمن ۱۳۸۹ یعنی ۳۲ سال بعد از انقلاب ایران، فرعون مصر، حسنی مبارک با فرار مبارک خود، سنگینی وجود نامبارکش را از سر مردم مصر برداشت. ۳۲ سال بعد از انقلاب ایران هیات حاکمه مصر که به خاندان شاه فراری و مورد نفرت مردم ایران پناه داده بود و ضدیت خویش را با انقلاب مردم ایران به نمایش گذارد خود آماج مبارزه انقلابی مردم مصر قرار گرفته و فراری شد. انقلاب مردم مصر هنوز در اول کار است و ادامه دارد ولی هر چه بر آن بگذرد یک چیز روشن است که استبداد حسنی مبارک این فرعون مصر این نوکر امپریالیسم و صهیونیسم به پایان رسید و مردم مصر این وجود منفور را که در منطقه منافع صهیونیستها و امپریالیستها و اقلیتی ثروتمند را تأمین می کرد اخراج کردند بطوریکه ارتجاع مصر و جهان وحشت دارند بیان کنند که این عنصر منفور به کجا پناه برده است و در خدمت کدام امیر مرتجع عرب است. آیا وی در امارات متحده عربی است و یا در عربستان سعودی هنوز بر افکار عمومی روشن نیست.

جنبش مردم مصر به قدرت جنبش مردم ایران نبود. ریشه آنرا باید در ضعف سنتهای مبارزه دموکراتیک و مبارزه کمونیستهای مصر در گذشته و ترکیب طبقاتی جامعه مصر جستجو کرد. کمونیستهای مصر که به رویزیونیسم روی آورده و خود را به توصیه روسها در جنبش سوسیالیستی ناصری منحل کردند

کوچکترین نقشی در مصر ندارند. در مصر جنبش نیروهای اپوزیسیون به عمق و گستردگی مبارزه اپوزیسیون ایران نبود. در مصر نیروهای مذهبی بیشتر مورد سرکوب قرار گرفته و از آن انسجامی که هواداران آقای خمینی برخوردار بودند، بهره نمی بردند. آنها دارای یک رهبری متمرکز و مقتدر و پرنفوذ با جذب و جاذبه نظیر آقای خمینی نبودند که در مراحل قطعی جنبش حرف آخر را بر زبان آورد. پراکندگی اپوزیسیون، بی دورنمائی آنها، فقدان برنامه سیاسی و تنها بسنده کردن به اینکه مبارک باید برود و عدم تغییر به موقع شعارها کار آنها را برای راهنمائی مبارزه توده ای در مقابل مانور حاکمیت به بن بست می کشانید.

ارتش مصر با یاری اسرائیل و آمریکا به یک عقب نشینی منظم دست زد. در عین برداشتن شلاق شتر سواران، چاقوکشها و نان قندی بی طرفی ارتش را بدست گرفت تا در مردم ایجاد اعتماد نسبت به ارتش بنماید. موش و گربه بازی مبارک برای کسب فرصت و سوق دادن همه سیلاب انقلاب برای افتادن به مجرای سرنگونی شخص مبارک با موفقیت در جریان بود تا ارتش به عنوان ناجی به یک کودتای سرد دست زده و قدرت را همانگونه که بود بدون شکسته شدن ماشین دولتی حفظ کند و روند عقب نشینی منظم را در دست بگیرد. مبارک مانند شاه صدای انقلاب را با تاخیر شنید ولی تجربه شاه به وی و اربابانش یاد داده بود که این عقب نشینی منظم را برای فریب مردم و کاستن از فشار سیل انقلاب چگونه به پیش برد. حاکمیت با مانورهای خویش تمام هدف انقلاب را در برکناری شخص رئیس جمهور خلاصه کرد و آمرانه اعلام کرد که مردم! شما به خواستهای خود رسیده اید بقیه وظایف را ما به عهده می گیریم. پس به خانه های خود برگردید.

وعده های ارتش طبیعتا قابل اعتماد نیست. وقتی ارتش در شرایطی که میلیونها انسان در خیابانند و هر لحظه خطر انفجار وجود دارد حاضر به تسلیم نشد چگونه ممکن است وقتی آنها از آسیاب ریخت و مردم به خانه های خود برگشتند و فضای انقلابی سرد شد ارتش به وعده های خود عمل کند و تسلیم خواست مردم شود. قدرت خیابان به بی قدرتی در خانه ها بدل می شود. در ایران سپهبد نصیری خائن بهر صورت اعدام شد ولی در اینجا عمرسلیمان که در مصر موجودی به مراتب منفورتر از نصیری در ایران است هنوز بر سر کار باقی مانده است. وی مهره مورد اعتماد اسرائیل و مسئول سرکوب و شکنجه همه مخالفین مبارک بوده است. در همکاری وی با آمریکا همین بس که "تروریستهای" گوانتانامو را به مصر می فرستادند تا آقای عمر سلیمان از آنها به نفع آمریکا با حضور مامورین سیا اعتراف بگیرد زیرا شکنجه دادن در آمریکا قدغن است و... ادامه در صفحه ۳

جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران، سرنگون باید گردد!

طنز تاریخ، دو انقلاب...

به صلاح حقوق بشر نیست.

خوشحیالی و اعتماد بی حد و حصر به ارتش توسط مردم مصر را باید در بی تجربگی سیاسی و در فقدان رهبری با کیاست و متمرکز در جنبش انقلابی مردم مصر دانست. باید این خوشحیالی را در این دانست که مردم بدرستی درک نکرده اند پایان دیکتاتوری فردی حسنی مبارک پایان دیکتاتوری و سلطه طبقه حاکمه و امپریالیسم و صهیونیسم در مصر نیست. جنبش انقلابی مردم مصر هنوز درک نکرده است که تا پیروزی نهائی و شکستن ماشین دولتی باید در خیابانها ماند و مردم را بسیج کرد و سطح آگاهی آنها را افزایش داد و حتی با سازماندهی به فکر تسلیح مردم بر آمد و آماده شد تا قهر ضد انقلابی را با قهر انقلابی پاسخ داد. دقیقاً آن کاری که مردم ایران در روز ۲۲ بهمن انجام دادند و خمینی مخالف آن بود. همه این مشکلات ناشی از فقدان سازمانهای سیاسی با تجربه و کارآمد و بویژه حزب طبقه کارگر است که با دانش سیاسی و اجتماعی خویش و با استفاده از تجربه مبارزات انقلابی سایر خلقها دست مانورهای طبقه حاکمه را بخواند و با طرح شعارهای نادرست و یا عدم ارتقاء مطالبات جنبش خود را به بن بست نکشاند.

در حالی که در آغاز انقلاب در مصر، در سفارت اسرائیل بسته شد و کارگران کانال سوئز به میدان آمدند و کمر ارتجاع حاکم را شکاندند و خط انتقال گاز به اسرائیل را در صحرائ سینا منفجر کردند، پس از نخستین پیروزی مردم و عقب نشینی موزیانه و تاکتیکی هیات حاکمه سخن از حفظ قرار داد صلح با اسرائیل و برسمیت شناختن قراردادهای جهانی می رود.

بیاد بیاوریم که هرگز پیمان صلحی میان مردم مصر و دولت اسرائیل بسته نشده است. هیچ مجلس منتخب مردمی در مصر و حتی مجلس های فرمایشی مصر به زیر پای این پیمان امضاء نگذاشته اند. این پیمان پیمان انور سادات و با مناحم بگین تروریست معروف است. تکیه تبلیغاتی بر پیمانی که هرگز پیمانی نبوده است بخشی از تبلیغات ایدئولوژیک ارتجاع جهانی برای فریب ملت قهرمان مصر است.

انقلاب مصر در حالت برزخ بسر می برد. اقلیتی که دست ارتجاع را خوانده است حاضر نیست میدان آزادی را تا تحقق همه خواستهای مردم مصر ترک کند. آنها خواهان آنند که با حضور خود در میدان مشعل این مبارزه را روشن نگاه دارند و به مردم مصر هشدار دهند که همیشه ناظر صحنه باشند و به اظهار نظر مردم در میدان توجه کنند.

ارتجاع در مصر توانسته است با توجه به واقعیتهای عینی جامعه مصر و توازن قوای طبقاتی از حالت تدافعی بدر آمده و بیک خیز ضد انقلابی دست زند. آنها هراسناک و به

"موقع" در آستانه اعتصابات کارگران و کارمندان و امکان سرایت اعتصاب به همه عرصه های زندگی اقتصادی و اداری برگ استعفای مبارک را رو کردند تا انگیزه اصلی انقلاب تحت الشعاع شور و شوق انقلابی قرار گرفته و در فریادهای آن گم شود. ولی هنوز حرف آخر زده نشده است. ارتش هم مجبور است دست به عصارا راه رود. آتش فشان انقلاب هنوز می خروشد و ظرفیتش به انتها نرسیده است.

انقلاب مردم مصر آن زور و شتابی را ندارد که انقلاب ایران داشت. تعداد جانباختگان انقلاب صدها نفر است و تعداد واقعی آنها را دولت پنهان می کند. هزاران نفر تظاهرکنندگان در زندانها بسر می برند و تکلیف آنها روشن نیست. دستگاه ارتش و سازمان امنیت و پلیس و لباس شخصی های شعبان بی مخی هنوز برپا هستند و صدمه ای به آنها نخورده است. انقلاب مصر قادر نشده است مانند انقلاب ایران ماشین دولتی هیات حاکمه را درهم بشکند.

تبلیغات امپریالیستها در مورد فیس بوک نویسان که ماهیت طبقاتیشان هنوز بروشنی معلوم نیست و جایگاه اجتماعی خویش را نیافته اند و می توانند مخلوطی از خوب و بد باشند، بیشتر به آن خاطر است که از طریق ابزارهایی که خودشان در دست دارند با امکانات وسیعشان در جنبش تاثیر گذارده و در آن اخلاص کنند و افکار عمومی باب طبع خویش را در آن بوجود آورده و با جنبش را در مطالباتی که برای آنها نامناسب است به تفرقه بکشاند. جنبش فیس بوک یک جنبش برای غلبه بر مغزها و ساختن افکار عمومی است. این عرصه نیز عرصه یک مبارزه ایدئولوژیک است. فیس بوک نباید جای سازماندهی حزبی را بگیرد. طبیعتاً فیس بوکهائی که از مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم طفره می روند و فقط بر ضد حسنی مبارک لشکر کشی می کنند در واقع در همان مسیری سیر می کنند که در سناریوی تنظیم شده از طرف ارتش، جایگاه خاصی برای آنها در نظر گرفته شده است. مسلماً از هم اکنون صدها فیس بوک با نام مستعار که اسرائیلیها با زبان عربی می گردانند برای تاثیر در جنبش مصر در حال ظهور هستند. تا به بهانه مبارزه علیه اسلام سیاسی و بسیج مردم برای مبارزه با اخوان المسلمین جهت اصلی مبارزه را علیه رژیم وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم منحرف کنند.

ولی علیرغم این وضعیت ناپایدار انقلاب مردم مصر دستاوردهای مهمی داشته است. سرنگونی مبارک با ثروت ۷۰ میلیارد دلار از پول دزدی، یک دستاورد بزرگ مردم مصر است. آنها حال یک زمینه مبارزه افسانه گرانه برای بازپس گرفتن این ثروتها خواهند داشت که البته هرگز پرداخت نخواهد شد. مگر دزدی های شاه بازپرداخت شد که مال مبارک

و یا بن علی پرداخت شود؟ ولی همین مبارزه افسانه گرانه مردم، هیات حاکمه مصر و ممالک امپریالیستی را بشدت تحت فشار گذارده و اعمال متناقض و ریاکارانه امپریالیستها به ارتقاء سطح آگاهی توده های مصری منجر می شود. آنها می بینند که امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع بومی با یکدیگر همدستند.

مردم مصر در جریان هفته ها مبارزه خیابانی موفق شده اند که مطالبه نسبی آزادیهای دموکراتیک را به ارتجاع مصر تحمیل کنند. مجلس دست نشانده که مورد حمایت مبارک و همه کشورهای غربی بود منحل اعلام شد، دیوار سانسور شکسته می شود. آزادی فعالیت سیاسی و انتخابات آزاد باید تضمین شود. اتحادیه های کارگری باید آزادانه به فعالیت بپردازند. مردم مصر قادر خواهند شد حمایت خویش را از مبارزه مردم فلسطین ابراز دارند و خواهان قطع رابطه با اسرائیل و شکستن دیوار نوار غزه گردند.

مردم مصر می بینند که دنیای غرب که دم از دموکراسی و حقوق بشر می زد تا چه حد ریاکار است و از دیکتاتور خون آشامی نظیر مبارک با چنگ و دندان تا به امروز حمایت می کرده است. آنها می فهمند که حقوق بشر تنها یک ابزار سیاسی ریاکارانه در دست امپریالیستها و صهیونیستهاست تا با آن مقاصد شوم خویش را به پیش برند. آنها که رژیم مبارک و سرکوبهای ضد بشری وی را تائید می کردند و برکشتار قومی فلسطینیها صحنه می گذارند نمی توانند یکشنبه دوستان مردم مصر باشند. آنها می فهمند که غرب هنوز هم در پی منافع خویش است و می خواهد سلطه خود را از راههای دیگر ادامه دهد. امپریالیستها و صهیونیستها خواهان کنترل کانال سوئز و امنیت اسرائیل به عنوان سرپل امپریالیسم در منطقه هستند. دستاوردهای جنبش را نمیتوان بسرعت از مردم مصر باز پس گرفت. این دستاوردها برای نسل کنونی و بعدی مصر باقی می ماند. عرصه جدید پیکار مردم تاسیس احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری، رفع سانسور، کسب آزادی برقراری نمایشات و اعتصابات و... است. ایجاد یک جبهه برای دموکراسی و تعمیق آن همراه با یک سیاست خارجی مستقل ابزاری برای ادامه انقلاب است. انقلاب مصر ممکن است ناکام شود ولی تاثیراتش در منطقه قابل برگشت نیست. کشورهای عربی بعد از انقلاب تونس و مصر همان کشورهای قبلی نیستند. میلیونها نفر در اردن، یمن، الجزیره به حمایت از مردم مصر و تغییرات اساسی در کشورشان بپا خواسته اند.

میلیونها نفر سیاسی شده اند و به نیروی لایزال خویش پی برده اند. میلیونها نفر دانسته اند که ما بشماریم و رمز پیروزی را باید در اتحاد نیروهای مترقی و توده های خلق بجوییم. این تجارب با بحث بوجود... ادامه در صفحه ۴

تنها حکومت متکی بر مردم، پایدار است.

طنز تاریخ، دو انقلاب...

نمی آید، نتیجه شرکت در روند انقلاب است و به نیروی مادی در جامعه بدل می شود و نسل به نسل منتقل می گردد.

فرار مبارک موجی از همبستگی و جشن و سرور در سوریه، لبنان، فلسطین، اردن، یمن، بحرین و ایران ایجاد کرد. مردم ایران نیز ضمن ابراز همبستگی و حمایت از انقلاب مردم تونس و مصر روز دوشنبه ۲۵ بهمن در تهران و اصفهان علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی دست به تظاهرات زدند و با فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید گردد و خامنه ای حیا کن مبارکو نگاه کن، چه تهران چه قاهره دیکتاتور باید بره، چه قاهره چه تهران مرگ بر ظالمان، سید علی بیچاره جنبش هنوز بیداره" و... دهها شعار دیگر چماقداران و اوباشان پاسدار و بسیجی و لباس شخصی را به چالش گرفتند.

سلطه قذافی و سلطان مراکش نیز متزلزل است. عربستان سعودی و امارات باید در روشهای اعمال دیکتاتوری خویش تجدید نظر کنند. اسرائیل و امریکا دیگر نمی توانند مانند سابق با سیاست قلدنمشانه و ضد بشری خویش در سرکوب جنبش فلسطین و تکیه به جاسوسی بنام محمود عباس یکه تازی کنند. منطقه خاورمیانه بعد از انقلاب خلقهای تونس و مصر و جنبش های ضد ارتجاعی و ضد استعماری که در دیگر کشورهای منطقه پیا شده است دیگر خاورمیانه سابق نخواهد بود. نسیم آزادی وزیدن گرفت توفان است که بناهای ظلم را خراب می کند.

همبستگی با خلقهای عرب...

بگویند کدام مرتجعی وی را پناه داده است و بن علی دزد تونس در عربستان سعودی بسر می برد و مدعی هستند که رو به موت است. البته روشن است که خانواده های این خائنین مورد پذیرائی گرم مرتجعین عربستان سعودی که بهتر از آنها نیستند قرار داشته و حالشان بسیار هم خوب است ولی حامیان آنها نیز از ترس افکار عمومی و مردم خویش و در یک کلام قدرت ملت ناچارند رنگ عوض کرده و برای دادن پناهندگی به این جنایتکاران بهانه بتراشند، از احساسات انسانی مایه بگذارند و چنین جلوه دهند که صرفا بخاطر حفظ جان یک انسان در حال مرگ به این "فداکاری" راضی شده اند.

تجربه تاریخ نشان می دهد که مستبدین بی آبرو و همه آن رهبرانی که به ملت های خود تکیه ندارند وقتی آماج خشم ملت های خویش قرار می گیرند حتی جای امن برای فرار نیز ندارند و اربابان آنها نیز جرات نمی کنند بطور علنی از آنها حمایت کنند. این رژیمها نه تنها مورد خشم ملت خود بلکه خشم و نفرت

سایر ملت های جهان نیز هستند و همواره باید از تهدید جانشان بترسند. تنها رهبرانی از احترام برخوردارند که از احترام ملتشان برخوردار باشند. این یکی از آموزشهای انقلابات اخیر در آستانه انقلاب بهمن است. سرنوشت شاه را به خاطر آورید که بجز انور سادات خودفروخته که به سزای اعمالش رسید کسی حاضر نبود این جانی و خائن خود فروخته را بپذیرد. سرنوشت سایر جنایتکاران نیز بهتر از این نخواهد بود.

بسیاری از آنها فکر می کنند با غارت کشورشان و انتقال آن دزدیها به بانکهای ممالک امپریالیستی می توانند در روز مبادا با خیال راحت زندگی کنند و نمونه زندگی اشرافی خانواده پهلوی در مقابل چشم آنهاست. ولی شاه را هیچکدام از این کشورها حاضر نبودند به داخل خاکشان راه دهند تنها بعد از مرگش، خانواده شاه توانست از ثروت دزدی شده ملت ایران زندگی پر رفاه و آسایشی را بگذرانند. امپریالیستها از وجود این ثروتها در بانکهای خویش با خیرند ولی تا لحظه ای که منافع آنها را تامین می کند صدایش را در نمی آورند. آنها در واقع به این مستبدین حق سکوت و رشوه داده اند تا مجاز باشند ممالک آنها را غارت کنند. وقتی تاریخ مصرف آنها در اثر طغیان خلقها به پایان می رسد آنها را مانند قایدستمال دور می اندازند و حتی گاهی ثروت های آنها را ضبط می کنند. اینکه رفسنجانی، خامنه ای و سایر یاران امام ثروتشان را در بانکهای خارج ایران دفن کنند راه نجاتی برای آنها نخواهد بود و بهتر است توبه کنند و به ملتشان احترام گذارده و خود را در اختیار ملتشان قرار دهند. دزدی و راهزنی حلال مشکلات نیست. این یکی دیگر از آموزشهای از انقلابات منطقه در آستانه انقلاب بهمن است.

در مبارزات اخیر ما با تاثیر متقابل پدیده ها روبرو هستیم و می بینیم که چگونه تاثیرات انقلاب تونس در مصر و یمن و اردن و بحرین و مراکش و لیبی و... به ایران نیز سرایت کرد. تاثیر انقلابات ممالک خاورمیانه عربی بر روی ایران تنها جنبه ضد استبدادی آن نیست. این ممالک خواهان استقلال خود بوده و می خواهند به نفوذ اسرائیل و امپریالیسم در کشورشان پایان دهند. مردم در این ممالک خواهان سرنگونی بن علی و مبارک شدند و این پیروزی ملت های قهرمان عرب در ایران در نمایشات اعتراضی روزهای اواخر بهمن و اول اسفند به صورت شعارهای "مبارک، بن علی، نوبت سید علی" بازتاب یافت. ماهیت این شعار مردم ایران تنها جنبه ضد استبدادی و ضد خفقان آن نیست. تنها در آن نیست که مردم برای آزادی و دموکراسی و احترام به حقوق انسانی مبارزه می کنند، بلکه در آن نیز هست که ملت ایران برای همبستگی و برادری جهانی و دوستی و

برادری با خلقهای عرب ارزش قابل است. ایرانیان نشان دادند که هوادار همبستگی جهانی هستند و مبارزات مردم عرب را مورد حمایت قرار می دهند و این در حالی است که از شجاعت این مردمان آموزش می گیرند. احساس همبستگی مردم ایران با خلقهای عرب که در منطقه خاورمیانه ریشه های عمیق تاریخی دارد، با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی و تحقیر احساسات ملی ایرانیان با تبلیغات گسترده صهیونیستها، امپریالیستها و سلطنت طلبان و همه عمال کثیف آنها در ایران کمی به عقب رانده شد. عمال سلطنت و صهیونیسم در ایران تلاش می کردند از نزدیکی رژیم جمهوری اسلامی با سازمان حماس و حزب الله و حمایت از مبارزه خلقهای فلسطین و لبنان بر ضد اشغالگران اسرائیلی عاملی برای ایجاد نفاق و دشمنی با خلقهای عرب بسازند و همبستگی برادرانه میان آنها را برهم زنند و چنین تبلیغ کنند که صهیونیستهای اسرائیل دوست مردم ایران هستند و اعراب دشمن ایرانیها. جعل تاریخ در شبکه اینترنت، در شبکه های اجتماعی و در رسانه های گروهی توسط یاران و جاسوسان و عوامل نفوذی اسرائیل در داخل ایرانی ها رواج داشت. آنها از تمدن اسرائیل، دموکراسی اسرائیل در مقابل توحش و استبداد اعراب سخن می گفتند و همه بلاپاهائی را که بر سر ایران در آمده بود نه ناشی از نفوذ و حضور صهیونیسم و امپریالیسم در جهان و منطقه بلکه ناشی از حضور اعراب جا می زدند و تلاش داشتند و دارند که با جعل نقل قولها و فیلمهای جعلی و سند سازی در شبکه اینترنت موجی ضد عربی و بویژه علیه جنبش فلسطین و لبنان بوجود آورند. آنها به بهانه دشمنی با رژیم جمهوری اسلامی جنایات ضد بشری صهیونیستها را در نوار غزه و جنوب لبنان تأیید می کردند و در عمل از محمود عباس جاسوس و سعد حریری عامل آمریکا و عربستان سعودی دفاع می کردند و آرزوی تجاوز اسرائیل را به لبنان در سر داشتند. انقلاب خلقهای عرب این آرزوهای ایرانیهای مرتجع و قربانیان تبلیغات صهیونیستی را بگور برد. انقلاب خلقهای عرب در منطقه کفه مبارزه را به نفع نیروهای انقلابی در منطقه تغییر داده است. ارتجاع لبنان و فلسطین بشدت به انزوا کشیده می شوند. عربستان سعودی نمی تواند در همدستی با اسرائیل و آمریکا در منطقه به عنوان پایگاه عمده تروریسم به همان راحتی سابق عمل کند نهضت ملت های عرب در مقابل تحقیرهای غرب و جاسوسان صهیونیسم بیخاسته است و این نهضت همیار و همرزم ملت ایران در مقابله با مستبدین و امپریالیستها و صهیونیستهاست. دیگر در نمایشات اعتراضی ...

ادامه در صفحه ۵

زنده باد همبستگی ملی خلقهای ایران، برقرار باد جمهوریهای شوروی سوسیالیستی در ایران

همبستگی با خلقهای عرب...

از شعار ارتجاعی "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران" که یک شعار ارتجاعی و به نفع اسرائیل در زیر لوای دروغین میهنپرستی بود خبری نبود و نمی توانست هم خبری باشد. زیرا در روزهای بهمن مردم بر همسرنوشتی خویش با ملت‌های عرب و به همبستگی خویش با آنها تکیه می کردند و نه به تخریب روحیه برادری و اسرائیل پرستانه در ایران. نمایشات اعتراضی در حمایت از مبارزه مردم ممالک عربی تودهنی محکمی به سلطنت طلبان و عمال اسرائیل در ایران از جمله فعالین پیروان منصور حکمت بود که تمام هم و غمشان مبارزه با اعراب و مسلمانان و تحریک علیه مقدسات مسلمانهاست. این مبارزات در تکامل خویش آبرونی برای حزب "کمونیست کارگری" نمی گذارد و دستش را در حمایت آشکار از صهیونیست‌های اسرائیل، دستش را در حمایت از سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم باز می کند و نشان می دهد که در دو جبهه بزرگ مبارزه جهانی که برای استقلال، آزادی و دموکراسی در گرفته است این دارو دسته ها در کنار آمریکا و اسرائیل جا دارند.

استدلال عمال آنها که بیکباره خفقان گرفته اند تا نیش خود را بعدا به جنبش بزنند جالب است. به آنها یاد داده اند که مدعی شوند

"اختلافات" فلسطین و لبنان با اسرائیل به ما مربوط نیست و ما باید تنها با رژیم جمهوری اسلامی تعیین تکلیف کنیم.

به این بزودی سیاسی توجه کنید که چهره های خویش را چگونه پنهان کرده اند و بر حسب روز بزرگ می کنند و مثل دیروز حاضر نیستند با سینه سپر کردن و داد و قال از طریق رسانه های گروهی با پرچم "انترناسیونالیستی" ننگین "مسلمانان سابق" به میدان آیند و بر ضد حضرت محمد اعلامیه دهند و کاریکاتور وی را بکشند و پرچم مبارزه علیه مسلمانان را برافرازند و در همه جا در کنار عمال اسرائیل در کارزار ضد مسلمانی لخت و عور شوند و نمایشات مشترک تفاهم برانگیز و همدردانه با اسرائیل بگذارند. آنها حال با تحلیل و شعار ورشکسته سیاسی خود که سیمای سیاسی جهان امروز را مبارزه میان "اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکا" ترسیم می کند به انزوای سیاسی کشیده شده اند و بیشتر نیز کشیده خواهند شد. تصورش را بکنید که این "انترناسیونالیستها" و در واقع انترناسیونالیست‌های دروغین که یاران کسموپلیتیسم و جهان وطنی هستند در انقلاب ممالک عربی شرکت کنند و به خلقهای عرب آموزش دهند که باید بجای مبارزه با مبارک و بن علی و قذافی و ملک عبدالله و نظایر آنها بخاطر کسب آزادی، استقلال و دموکراسی باید با "اسلام سیاسی" مبارزه کرد و بر ضد اسلام اعلامیه پخش کرد و سازمانهای "مسلمانان سابق" را در کنار اسرائیلیها تشکیل

داد و کشتار مردم نوار غزه و افغانستان و مردم عراق را تأیید کرد. انقلاب خلقهای عرب ناقوس مرگ حزب "کمونیست کارگری" و پیروان نظریات منصور حکمت نیز هست. ناقوس مرگ کسانی است که تا دیروز "انترناسیونالیست" بوده و از آن وسیله ای بر ضد میهنپرستی کمونیستی ساخته بودند و از ایرانی بودن خویش حالت تهوع به آنها دست می داد و امروز رنگ عوض کرده دیگر انترناسیونالیست نبوده و حاضر نیستند از مبارزه مردم فلسطین و لبنان دفاع کنند و مدعی می شوند **"اختلافات" فلسطین و لبنان با اسرائیل به ما مربوط نیست و ما باید تنها با رژیم جمهوری اسلامی تعیین تکلیف کنیم.**

مردم ایران ولی از مبارزات مردم مصر و تونس و سایر ممالک دفاع می کنند و فریاد می زنند: "مبارک، بن علی، نوبت سید علی". شعارهای ضد همبستگی خلقها در منطقه نظیر شعار اسرائیلی "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران" که منظورش دفاع از اسرائیل است دیگر در نمایشات اعتراضی مردم میهن ما جایی ندارد. مبارزه مردم مصر و تونس، بحرین و لیبی، مبارزات مردم فلسطین و لبنان مکمل مبارزات مردم ایران برای کسب استقلال، آزادی و دموکراسی در منطقه و بر ضد قوای اشغالگر و مخالفت با نقض بیرحمانه حقوق بشر است. آنکس که مدعی مخالفت با اعدام در ایران است ریاکار است اگر مخالف اعدام دستجمعی مردم نوار غزه و یا اعدام دستجمعی مردم لبنان با بمبهای فسفری و خوشه ای نباشد. آنوقت آن کس مخالف اعدام نیست مخالف مصلحتی اعدام است. با اعدام توسط جمهوری اسلامی مخالف است ولی با اعدام دستجمعی اسرائیل مخالف نیست. آنکس ملاکهای حمایتش از حقوق بشر همان ملاکهای ریاکارانه امپریالیستها و صهیونیستهاست که امروز نیز خودشان با ریاکاری ناچارند عذر رژیمهای بی مصرف را بخواهند. حزب "کمونیست کارگری" بانی چنین سیاستی در منطقه است. سیاست مشوب کردن، مخدوش کردن مرزهای طبقاتی و ملی، سیاست آرایش اسرائیل و تفرقه افکنی در همبستگی مبارزاتی خلقهای منطقه است.

مبارزه خلقهای عرب و همبستگی مردم ایران با این مبارزات بر ضد استبدادهای سیاه مذهبی و غیر مذهبی آغاز فروپاشی سلطه امپریالیسم در منطقه و روز عزای اسرائیل و نوکرانش در منطقه است. روز عزای سلطنت طلبان خودفروخته ایرانی و حزب "کمونیست کارگری" و همه ایرانیان اپوزیسیونی می باشد که از اسرائیل حمایت شده و کمک مالی دریافت می کنند. آموزش روزهای بهمن این است که به خلق خود متکی باشیم، مبارزه بر ضد رژیم سرمایه داری مافیائی جمهوری اسلامی را با مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم پیوند زنیم و برای مبارزه سایر

خلقهای جهان ارزش قابل شویم و از آن مبارزات حمایت کنیم و آنوقت انتظار داشته باشیم که آنها نیز از مبارزات مردم میهن ما حمایت کنند. به همبستگی جهانی و مبارزه سایر خلقها احترام گذارده از آنها حمایت کنیم. چقدر آدمهایی که قربانی تبلیغات ضد عرب و حزب "کمونیست کارگری" شده اند حقیر و بزدلند که ناچارند برای گریز از حمایت ارزشهای انسانی و اصولیت انقلابی، خود را پشت جنایات رژیم جمهوری اسلامی پنهان کنند و مدعی شوند: **"اختلافات" فلسطین و**

لبنان با اسرائیل به ما مربوط نیست و ما باید تنها با رژیم جمهوری اسلامی تعیین تکلیف کنیم.

همین استدلال ریاکارانه و ننگین را سازمان مجاهدین خلق زمانی مطرح می کند که از آنها خواسته می شود در مورد جنایات اسرائیل و یا امپریالیستها در جهان، در افغانستان و در عراق در فلسطین و یا لبنان اظهار نظر کنند. آنها نیز فوراً به پشت جنایات رژیم جمهوری اسلامی فرار کرده و مدعی می شوند سایر مسائل به ما مربوط نیست ما باید با رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنیم. روشن است که این ناسیونالیسم ایرانی در مقابل انترناسیونالیسم انسانی و برادری و همبستگی جهانی تنها برای حمایت از جبهه ارتجاع جهانی است و نه از اصولیت انقلابی و گرنه چگونه می شود این واقعیت را توضیح داد که این گروه ها از همه مردم جهان می خواهند از مبارزات افشاء گرانه آنها بر ضد جنایات رژیم جمهوری اسلامی حمایت کنند، در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی جمع شده به آنها بیپوندند، در نمایشات اعتراضی آنها شرکت کنند ولی خودشان حاضر نیستند از مبارزات همان خلقها برای تحقق همان خواسته های عادلانه و بشردوستانه حمایت کنند. تنها یک منطق در این نوع ریاکاری چون خط سرخی خود نمائی می کند. این جریانه ها و گروه های ایرانی تبار تنها از موضع سلطنت طلبان، امپریالیستها و صهیونیستها با رژیم جمهوری اسلامی مخالفند. دست دراز شده امپریالیستها و صهیونیستها بوده ابزار اجرای مقاصد سیاسی آنها هستند و نه از موضع خلق ایران و خلقهای منطقه بر ضد استبداد و امپریالیسم و ارتجاع. ریاکاری رنگین کمان آنها در مقابل اصولیت انقلابی ما، حزب کار ایران (توفان) قرار دارد.

انقلاب خلقهای منطقه موجب شفافیت در مبارزه مردم منطقه و بطریق اولی در ایران خواهد شد. تمایز خطوط جبهه انقلاب از ضد انقلاب روشنتر می گردد. هر سرنگونی طلب، در ایران انقلابی نیست چه بسا که عامل امپریالیسم و صهیونیسم باشد.

انقلاب خلقهای منطقه از طرف رژیم جمهوری اسلامی مورد سوء استفاده قرار گرفت و آنها این ... ادامه در صفحه ۶

صهیونیسم یعنی نژادپرستی، همدست امپریالیسم

موجب شده که احساس ملی در ایران تقویت شود و حتی اشکال منفی و ارتجاعی بخود بگیرد. مخالفت با نهضت ملی مردم فلسطین که قربانی نسل کشی شده اند، مخالفت با جنبش مردم لبنان، مخالفت با اعراب ناشی از این امر است. ولی نقطه نظر ما روشن است. فراخواندن مردم به مقاومت و مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و تمام کسانی که در مقابل جبهه مقاومت ضد صهیونیسم و امپریالیسم سنگ اندازی می کنند.

پیام حزب کار (امپ) ترکیه به کنگره چهارم حزب کار ایران (توفان) رفقا!

کنگره چهارم حزب شما در زمان مهمی برای مردم ایران و خاورمیانه برگزار می شود. نیروهای امپریالیستی بسرکردگی آمریکا سیاست های تجاوزکارانه ای را علیه مردم منطقه باجرا در می آورند. اشغال عراق و افغانستان و تهدید علیه ایران و سوریه و لبنان فقط چند نمونه از این سیاست هاستند.

همچنین، نیروهای امپریالیستی می خواهند که مردم ایران را با تحریم و محاصره اقتصادی بزانو در آورند. دولت صهیونیستی اسرائیل با حمایت نیروهای امپریالیستی مردم فلسطین را مورد حمله قرار می دهد. مسئله کردها، مسئله ای مشترک بین ایران و ترکیه، هنوز بدون راه حلی دمکراتیک باقی مانده است.

از طرف دیگر، رژیم ارتجاعی ایران مصمم است که از طریق محدود نمودن آزادی های اجتماعی و دمکراتیک به سرکوب و استثمار توده های کار ادامه دهد. مردم ایران ضمن مبارزه علیه تجاوزات امپریالیستها علیه این حکومت عقب مانده و برای آزادی و حقوق خود مبارزه می کنند.

ما امیدواریم که کنگره چهارم حزب شما تصمیمات جدی برای مبارزه مردم ایران و منطقه اتخاذ نماید.

ما برای کنگره و مبارزه شما آرزوی موفقیت داریم.

با درودهای رفیقانه

دفتر روابط بین المللی حزب کار (امپ) ترکیه

همه چرخها در سکون ماند...

می گذرانید. در شرایط کنونی سرمایه داری لجام گسیخته با تصویب قوانین ضد کارگری دستاورد سالها مبارزه کارگران و زحمتکشان را بزیر می کشد. بورژوازی می کوشد بحران اقتصادی که از ماهیتش بر می خیزد و گلویش را می فشارد بر دوش طبقه زحمتکش جامعه تحمیل کند. با محدود کردن شرایط بهداشت، تحصیل، اعتصاب، تا ... ادامه در صفحه ۷

روزهای باقیمانده مرگش شمرده می شود. این است که در پی ایجاد انسجام در بالا و سرکوب در پائین است. رژیم بشدت مخالفین خودی را تحت فشار گذارده تا با آنها جبهه واحدی تشکیل دهند. بخشی از حاکمیت که به جناح لاریجانی و جناح مجلس و قوه قضائیه معروفند و در مقابل احمدی نژاد قد علم کرده بودند و میان اصلاح طلبان و احمدی نژاد بند بازی می کردند ناچار شدند از ترس انقلاب مردم جبهه ارتجاع سیاه را تقویت کنند. قالیباف، رضائی، رفسنجانی و پاره ای دیگر نیز به تقویت دیواره های این جبهه پرداختند تا در مقابل خشم مردم مسلح باشند. تضادهای حاکمیت در ایران تشدید می شود و مبارزه مردم آنها را شدیدتر می کند. انقلاب مردم ممالک عربی تأثیرات متقابلش را در ایران می گذارد و این به ما می آموزد که ما به همبستگی برادرانه ملت های جهان و بویژه منطقه نیاز داریم و استمرار مبارزه به نفع مردم و به ضرر حاکمیت و یاری دهنده شفافیت برای تمایز جبهه دوست از دشمن است.

خطر جنگ...

ناروشن و خطرات آن برای آمریکائیها بقدری در سراسر جهان زیاد است که ترجیح می دهند یک ایران حتی اتمی را در کادر غیر اتمی کردن کل خاورمیانه تحمل کنند. کارشناسان نظامی آمریکا اعلام کردند که ایران به فن آوری اتمی دست یافته است و بمباران تاسیسات اتمی ایران تنها ایجاد تأخیری در باز سازی مجدد آنهاست. آنها این پرسش را مطرح می کنند که دست یابی به دانش هسته ای را با توسل به نیروی نظامی نمی توان از بین برد. این اظهارات که صرفا جنبه تبلیغاتی ندارد گویای آن است که امپریالیست آمریکا در پی تغییر سیاست تجاوزکارانه جنگی خویش در مورد ایران است. آنها با توجه به ناراضی مردم در ایران تلاش می کنند با تحریم ایران و سفت کردن پیچ و مهره های این تحریم های ضد بشری و غیرقانونی و تبلیغات اینترنتی با جلوه دادن خویش به عنوان دوست ایرانیان، موجی از ناراضی در ایران ایجاد کنند و در راس این موج قرار گیرند و قدرت سیاسی را در ایران توسط عوامل خویش در دست بگیرند. آنها مرکز ثقل فعالیت خویش را متوجه فشار از درون با تشدید فشار از خارج کرده اند. سخنان آنان را اگر از پوسته عوامفریبانه و دیپلماتیک در آوریم بطوریکه برای همه قابل فهم شود این است: ما به ملت ایران آنقدر گرسنگی و تشنگی می دهیم تا تصمیمات ما را بپذیرد. یا مرگ یا نوکری آمریکا. آنها همین سیاست را در مورد کوبا در گذشته و نوار غزه و فلسطینها اعمال می کنند. این کار امپریالیستها

همبستگی با خلقهای عرب...

انقلاب را با انقلاب ایران و تأثیرات آن مقایسه کردند. این قیاس در عین از ترس آنها از خشم مردم بود و این اظهار فضلها را برای تقویت روحیه اطرافیان خود می گفتند. این قیاس ولی تا حدی که انقلاب ایران خواهان قطع سلطه امپریالیسم و صهیونیسم در ایران بود و می خواست به پادشاهی در ایران و سلطه استبدادی بطور کلی پایان دهد درست است و در ممالک عربی تأثیر گذارد. اینکه مبارزات مردم ایران در منطقه تأثیرات عمیقی گذارده است امر تازه ای نیست به علت همبستگی و همسرنوشتی تاریخی خلقهای منطقه حتی مسئله ملی کردن صنعت نفت (در زمان مصدق) در ایران در انقراض پادشاهی در عراق و مصر و رشد آگاهی ملی در ممالک عربی و مسلمانان از مراکش تا اندونزی موثر بود. ولی این مقایسه وقتی پای اجرای عدالت اجتماعی، امنیت قضائی، رفع سانسور و خفقان و کسب آزادیهای دمکراتیک و رعایت حقوق بشر به میان می آید از سرتا پا کذب محض است. انقلاب ایران به علت سلطه روحانیت قادر نشد به همه خواستها های خویش دست یابد و بهمین جهت است که انقلابات ملت های عرب که از تجربه ایران آموخته اند در پی آنند که آن نیمه ناتمام انقلاب ایران را نیز محقق گردانند. انقلاب آنها نه تنها بر ضد استبداد و امپریالیسم و صهیونیسم است بلکه آنها برای استقرار آزادیهای دمکراتیک نیز مبارزه می کنند و این امر است که رژیم جمهوری اسلامی را می ترساند.

مردم ایران نیز در همبستگی با مبارزات اعراب به خیابانها آمدند و تحت تأثیر مبارزات این خلقها قرار گرفتند صرفنظر از مانور حاکمیت در ایران در روز ۲۲ بهمن، اصلاح طلبان نیز فورا تحت تأثیر این مبارزات قرار گرفته خواستند بر موج این خواستهای عادلانه سوار شوند. جنبش حمایت از مبارزات مردم مصر و تونس به سرعت به مبارزه ای روشن با رژیم جمهوری اسلامی بدل شد و این دقیقا همان درس درستی بود که مردم از این مبارزات آموخته بودند. آنها می دانستند که باید حاکمیت را آماج حمله خویش قرار داد و آنها را سرنگون کرد. شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به یک شعار عمومی مردم بدل می شود. مرگ بر جمهوری اسلامی مفهوم دیگری ندارد. رهبران اصلاح طلبان حاکمیت را از خشم مردم ایران ترسانند و به آنها گوشزد کردند که از روشهای خویش دست بردارند وگرنه به سرنوشت مبارک و بن علی دچار می شوند. آموزش آنها طبیعتا درست بود و همه مستبدین باید از این مبارزات درس بگیرند و به حقوق ملت ها و مردم کشورشان احترام بگذارند. تکیه به امپریالیسم آخر عاقبتی ندارد. رژیم جمهوری اسلامی در عمل می داند که چه خطری وی را تهدید می کند و

مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستی مبارزه ضد امپریالیستی

ممکن است روابط دوستی امپریالیست آمریکا را که خودش تا کنون دویار از این بمب استفاده کرده است با پاکستان بنیادگرا و هندوستان که سه بار با یکدیگر بر سر کشمیر و بنگال دشمنی کرده اند و اسرائیل تجاوزگر که دارای حداقل ۲۰۰ بمب اتمی است توضیح داد.

امپریالیستها که خود دیگران را از بنای نیروگاههای هسته ای و غنی سازی اورانیوم منع می کنند در حال رقابت با یکدیگرند تا منابع جهانی اورانیوم را در دست گرفته و خود به تنها استخراج و تولید کننده انرژی هسته ای بدل شوند.

حزب ما در عین حال بر این عقیده است که تحریکات امپریالیست آمریکا و صهیونیستهای اسرائیل در مورد ایران تنها به خاطر غنی سازی اورانیوم نیست. آنها از هر ترقی ایران ناخوشایندند. آنها تلاشهای ایران برای دست یابی به فن آوری ماهواره ای و موشکی را نیز بر نمی تابند. آنها با سیاست خارجی ایران در دفاع از مبارزات مردم فلسطین و لبنان نیز مخالفند، دشمنی با ایران دشمنی با کشوری است که در منطقه موی دماغ آمریکا و متحدین وی است و امنیت مورد علاقه آمریکا را برهم زده است. اگر رژیم حاکم بر ایران مانند رژیم شاه نوکر سرسپرده امپریالیسم آمریکا و ژاندارم منطقه بود آنوقت با در دست گرفتن مهار سیاسی ایران و نظارت بر پیشرفتهای علمی ایران، آمریکائیا از جنجال تبلیغاتی خویش دست بر می داشتند.

بنظر حزب ما مسئله غنی سازی اورانیوم در ایران را باید در متن مبارزه رقابت آمیز امپریالیستها برای دستیابی به منابع اورانیوم و انرژی هسته ای در آینده دید. تنها در این متن است که آنچه بنظر متناقض می رسد از منطق روشنی برخوردار است.

در میان اپوزیسیون ایران در بررسی این مسئله توافق نظری وجود ندارد. پاره ای از آنها توجه ندارند که بررسی این امر را نمی توان جدا از سیاست راهبردی امپریالیستها در عرصه جهانی مورد نظر قرار داد. آنها توجه ندارند که سخن دیگر تنها بر سر مسئله هسته ای ایران نیست سخن بر سر زورگویی و تصمیماتی است که مشتی استعمارگر بخود اجازه می دهند برای مردم جهان تعیین کنند. تسلیم در مقابل این زورگویی تمکین به استعمار نوین است.

پاره ای از اپوزیسیون ایران با استدلالات مبتذل و غیر علمی و تحریک آمیز با روش عوامفریبانه و حتی بزدلانه تلاش دارند در سایه نفرت عمومی مردم از رژیم جمهوری اسلامی و سوء استفاده این رژیم از احساسات ملی مردم ایران بیاری تبلیغاتی امپریالیستها و صهیونیستها برونند و حتی برای امپریالیستها جاسوسی کرده و به تروریستهای امپریالیستها بدل شوند. آنها خود را در پشت بمب موهومی جمهوری اسلامی... ادامه در صفحه ۸

از آن کلیه پیمانهای جهانی را از محتوای خود تهی کرده و آنها را به قوانین بی بو و خاصیت بدل کند. شورای امنیت عملاً در بالای مصوبات و پیمانهای مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار می گیرد و نقش شورای نگهبان را بازی می کند.

حزب ما بر این نظر است که تصویب چهار قطعنامه بر ضد ایران در شورای امنیت غیر قانونی و مغایر نص صریح حقوقی است که پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی برای ایران برسمیت شناخته است.

این تحریمها بر ضد ملت ایران برای درهم شکستن مقاومت آنها در قبال زورگویی امپریالیستهاست. تنها دشمنان مردم ایران از این تحریمهای سازمان ملل که هدفش نابودی ایران و گرسنگی دادن به مردم ایران است حمایت می کنند. نشان این دشمنان آن است که جسارت ندارند این تحریمهای جنایتکارانه را با صراحت محکوم کرده افکار عمومی را بر ضد آنها بسیج نمایند. سکوت مصلحتی این دشمنان، همدستی با جنایتکاران است.

حزب ما بر آنست که امپریالیست آمریکا با این روش قلدرمنشانه و استعمار گرانه قصد دارد اکثریت قریب باتفاق ممالک جهان را از این حق مسلم محروم ساخته و انحصار غنی سازی اورانیوم را در اختیار خود و دوستانش قرار دهد و ملتهای جهان را در آتیه در دورن کمبود انرژی، وابسته به تحویل انرژی از جانب شرکتهای انحصاری آمریکائی گرداند.

هر دولتی حق دارد بر مبنای توافقنامه منع گسترش سلاحهای اتمی نه تنها به بنای نیروگاههای هسته ای دست زده و اورانیوم را غنی کند بلکه سازمان انرژی هسته ای در جهان نیز باید به موجب همین قرارداد به دولت معین مساعدت فنی نماید تا از انجام این وظایف بر آید. سازمان انرژی هسته ای از کمک به ایران تا کنون سرباز زده است.

حزب ما بر آنست که سازمان انرژی اتمی تحت فشار امپریالیست آمریکا نقش خویش را به عنوان سازمانی فنی برای نظارت بر شرایط غنی سازی اورانیوم و رعایت مفاد قانونی آن از دست داده و به ابزاری سیاسی در دست امپریالیستها بدل شده تا مانع شود که ممالک جهان بتوانند مستقلاً به فناوری انرژی هسته ای دست یابند. پاره ای کارشناسان این سازمان جاسوسان سازمانهای امنیتی ممالک سلطه گر هستند. این سازمان اکنون به ابزاری سیاسی در دست امپریالیستها بدل شده و در عراق نشان داد که جاسوسان سازمان سیا که به عنوان کارشناس در آن مشغول بکارند تا به چه حد برای امنیت همه ممالک ایجاد خطر می کنند و این کارشناسان جاسوس در واقع اعتبار این سازمان جهانی را بر باد داده اند.

حزب ما بر آنست که جنجال امپریالیستها در مورد خطر بمب اتمی ایران پوچ بوده و صرفاً جنبه تبلیغاتی دارد تا حق ایران را برای غنی سازی اورانیوم لگد مال کند، وگرنه چگونه

همه چرخها در سکون ماندش...

اخراج دستجمعی شرایط زندگی نا امن و بدون آینده ای را فراهم کرده. طبیعتاً این وضع در جامعه ما ایران با وجود رژیم جمهوری اسلامی بمراتب بدتر بوده، نبودن آزادیهای دموکراتیک، حق اعتصاب، گرانی، فقر و بینوایی وضعیت زندگی کارگران و زحمتکشان را به ورطه نابودی کشانده است. علیرغم این وضعیت فلاکتبار کارگران و زحمتکشان، آنها در طی تاریخ در جامعه بشری تغییر تحولات و حماسه آفریده اند از انقلابات سوسیالیستی تا مبارزه برای حقوق صنفی خویش و رفع ستم اجتماعی به پیروزیهای نائل آمدند.

کنگره حزب ما از مبارزات و خواستهای شما در دفاع از حقوق صنفی خود و تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری در ایران به حمایت بر می خیزد و این خواستهای شما را خواستی بدیهی و برحق ارزیابی می کند. کنگره حزب ما سرکوب فعالین کارگری را بشدت محکوم نموده و خواهان آزادی بی قید و شرط آنهاست.

حزب ما با الهام از ایدئولوژی طبقه کارگر با به عرصه وجود گذاشته و با رهبری مبارزه طبقه کارگر در ایران روزی به بهره کشی انسان از انسان و عمر سرمایه داری پایان خواهد داد.

زنده باد مبارزات قهرمانانه کارگران ایران و جهان

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری
مرگ بر امپریالیسم فاشیسم و ارتجاع.

قطعنامه در مورد غنی ...

علوم و فنون را در ایران علیرغم حاکمیت یک رژیم عقب مانده و ضد علم دستاوردهای ملت ایران دانسته و معتقد است که این دستاوردها را باید برای نسلهای آتی ایران حفظ کرد و تکامل داد و این موفقیتها در هر زمینه ای که انجام گیرد ربطی به رژیم جمهوری اسلامی ندارد و متعلق به همه مردم ایران است.

حزب ما بر این نظر است که این حق که برای همه دول امضاء کننده پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی برسمیت شناخته شده است، بخشی از حقوق ملل بوده و به نوع ایدئولوژی، رنگ پوست، نژاد، مذهب، بزرگی و کوچکی و... این ممالک و ملتها ربطی ندارد.

فشار آمریکا برای اینکه ایران از این حق خود صرفنظر کند کاری غیر قانونی و مغایر مفاد پیمانهای جهانی بوده و عملاً اقدامی بر ضد همه ممالکی است که این پیمان را امضاء کرده و برسمیت شناخته اند. امپریالیست آمریکا می خواهد از طریق شورای امنیت ابزاری در سازمان ملل فراهم کند تا با استفاده

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند

قطعه‌نامه در مورد غنی ...

پنهان می‌کنند تا حقوق برسمیت شناخته شده مردم ایران را نیز لگدمال نمایند. حزب ما این اپوزیسیون جاسوس و بزدل را محکوم می‌کند.

امروز امپریالیستها در اثر فشار افکار عمومی و فشار ممالک "غیر متعهد" مجبور شده اند حقوق ایران در غنی سازی اورانیوم را زبانی برسمیت بشناسند ولی در عمل مانع شوند که ایران بتواند از این حق خویش استفاده کند. تعلیق غنی سازی اورانیوم برای مدت نامعلوم خواسته ایست که امپریالیستها خود را در پشت آن پنهان کرده اند. تسلیم در مقابل امپریالیستها و صهیونیستها از نظر حزب ما یک خیانت مسلم ملی است. خیانت به نسلهای آتی ایران، خیانت به حقوق همه خلقهای جهان که مفاد این پیمان را امضاء کرده اند.

مسئله هسته ای ...

جهان را به اسارت شرکت‌های انرژی چند ملیتی در آورند. باین جهت با دسیسه های گوناگون مانع می شوند تا ممالک "دنیای سوم" و مستقل با تکیه بر نیروی خویش خود را از قید و بند استعمارگران رها کنند. مبارزه بر سر تامین مواد اولیه و از جمله انرژی در جهان، بیکی از ارکان رقابت‌های امپریالیستی بدل شده است.

امپریالیستها با غنی سازی اورانیوم توسط ایران مخالفند زیرا می خواهند انحصار غنی سازی را خودشان در آینده در دست داشته و با پایان انرژی فسیلی در جهان انحصار اورانیوم را در دست گرفته و به جهان با قیمت‌های انحصاری انرژی صادر کنند و تسلط خویش را بر جهان تامین نمایند. مخالفت آمریکائیا با نیروگاه اتمی ایران و اصل غنی سازی مستقل ایرانی ها را باید در چارچوب سیاست امپریالیستی آنها برای تسلط بر جهان نگریست. فقط در این کادر است که موضعگیریهای آنها مفهوم و منطق پیدا می‌کند.

امپریالیست آمریکا هرگز از بمب اتمی ایران که بمبی موهومی است و اگر هم واقعی بود ترسی ندارد. زیرا قدرت آنرا دارد که با جلب افکار عمومی در صورت خطای جبران ناپذیر ایران، ایران را با خاک یکسان کند. بمب اتمی برای ایران نه از نظر نظامی، نه سیاسی، نه اقتصادی و نه تبلیغاتی هرگز با صرفه نیست. مگر بمب اتمی پاکستان چه گلی به سر آنها زده است که بمب اتمی ایران بتواند بسر ایران بزند. دولت ایران نیز بارها اعلام کرده است که در صدد ساختمان بمب اتمی نیست ولی آمریکائیا ول کن نیستند و علیرغم گزارشات آژانس جهانی انرژی هسته ای که دلایلی مبنی بر اینکه ایران در پی ساختن بمب اتمی است بدست نمی‌دهد با جار و جنجال می

خواهند حق ایران را از وی سلب کنند. آنها با ریاکاری حق ایران را در غنی سازی اورانیوم پس از سالها انکار برسمیت می‌شناسند ولی پافشاری می‌کنند که ایران از این حقش استفاده ندارد. باید پرسید حتی که نشود از آن استفاده کرد چه ارزش حقوقی دارد. امپریالیستها البته در گذشته حتی این حق را برسمیت نمی‌شناختند ولی این نظر آنها مغایر پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای بود و این پرسش را مطرح می‌کرد کسانیکه این پیمان را برسمیت نمی‌شناسند چگونه بخود حق می‌دهند منکر حق ایران شوند. کلیه ممالک غیر متعهد که این پیمان را امضاء کرده اند از ایران حمایت می‌کنند ولی رسانه های گروهی امپریالیستی به روی اخبار مربوط به آن، مربوط به کفرانسه‌های مربوطه سرپوش می‌گذارند و افکار عمومی خویش را بخواب می‌کنند. خود این کشورها که موظف بوده اند از تسلیحات اتمی خود بکاهند از انجام این کار سر باز زده و حتی به آژانس بین المللی انرژی اتمی اجازه بازدید از تاسیسات خود را نمی‌دهند.

آمریکائیا با سیاسی کردن یک حق قانونی ایران که صرفاً یک مسئله فنی است و اختیار قضاوتش بعهد آژانس بین المللی انرژی هسته ای است، یک مسئله سیاسی ساخته اند و با فشار و دادن امتیاز از شورای امنیت سازمان ملل ابزاری ساخته اند تا تمام تصمیمات و توافقنامه های جهانی را از مضمون خود تهی گرداند و خویش را بر بالای سر مجمع عمومی سازمان ملل متعهد قرار دهد. آنها چندین قطعه‌نامه غیر قانونی بر علیه ایران گذرانده اند که در حقیقت بر ضد پیمان منع گسترش سلاحهای کشتار جمعی و بر ضد حقوق سایر ممالک غیر متعهد است.

آمریکا تنها کشوری است که بمب اتمی را مورد استفاده قرار داده و از ممالک اشغالگر و متجاوز که دارای بمب اتمی هستند نظیر اسرائیل حمایت می‌کند.

حزب کار ایران (توفان) از این حق کشور ایران دفاع می‌کند. مردم ایران حق دارند به فن آوری هسته ای و هر فن آوری مدرن دیرگی در زمینه موشک سازی، صنایع ماهواره ای و... دست پیدا کنند. مردم ایران حق دارند حتی به فن آوری لازم برای ساختن بمب اتمی و رسیدن به این مرز مانند ژاپنیا و آلمانها و ایتالیائی ها و... دست پیدا کنند. برسمیت شناختن این حق ربطی به ماهیت رژیم می‌کند که در ایران بر سرکار است ندارد. حقوق دموکراتیک باید برای همه ملل برسمیت شناخته شود. نمی‌توان برسمیت شناختن حقوق ملت‌ها را به رنگ پوست، نژاد، نوع حکومت، ایدئولوژی، مذهب، اندازه بزرگی و کوچکی و... مربوط کرد. در آن صورت این قدرتهای بزرگ هستند که تفسیر این حقوق دموکراتیک را بعهد می‌گیرند و در زندگی همه دخالت کرده ولی فقیه جهان می‌شوند. تصمیم در

مورد مسئله هسته ای به ایرانیها مربوط است و نه به پلیس های جهان و قلدرهای خون آشام که هیچ جقوی را برسمیت نمی‌شناسند. بهر صورت روزی منابع انرژی فسیلی به پایان می‌رسد. ممالکی که در فکر تامین آینده انرژی کشورشان باشند باید از هم اکنون با امکانات مالی و کارشناسانه که در اختیار دارند در پی ساختمان نیروگاههای مستقل هسته ای برای تامین انرژی آتی خود باشند و محاصره اقتصادی امپریالیستها را در این زمینه بشکنند. حزب ما از ساختمان نیروگاههای اتمی به عنوان بخشی از سیاست انرژی مختلط در ایران که مرکب از انرژی فسیلی، هسته ای و "جایگزین" است حمایت می‌کند و مبارزه در این راه را یک مبارزه بر ضد دسیسه های امپریالیستی با هدف تسلط بر جهان می‌داند.

جامعه جهانی باید به مفاد پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای احترام بگذارد و حق ایران را در غنی سازی اورانیوم برسمیت بشناسد. سران ممالک زورگو در جهان باید از قلدری و ایفای نقش پلیسی و دیکتاتوری در جهان دست بردارند و حقوق بشر و حقوق ملل را برسمیت شناخته بپذیرند که ایران و یا هرکشور دیگری حق دارد به غنی سازی اورانیوم و فناوری هسته ای دست یازد. آنها باید به دروغگوئی و تحریکات مسموم علیه حقوق طبیعی و قانونی مردم ایران پایان دهند

توفان بر فراز کشور ...

فسارگسیخته، اختلافات شدید طبقاتی و سرکوب های وحشیانه سیاسی دارد. طبق برآورد آمارهای رسمی، درآمد سالانه مردم در تونس ۳۵۰۰ دلار، در مصر حدود ۱۷۰۰ دلار و در یمن ۲۳۰۰ دلار است. نیمی از جمعیت ۸۳ میلیونی مردم مصر با درآمدی حدود دودلار در روز زندگی می‌کنند. نزدیک به نیمی از مردم ۲۰ میلیونی در قاهره در زاغه ها و فقیر نشینهای حاشیه پایتخت زیست می‌کنند و درآمد آنها زیر یک دلار برآورد شده است. کشور یمن که هشتاد درصد درآمد آن را نفت و گاز تشکیل می‌دهد، یکی از فقیر ترین کشورهای عربی است. شایان ذکر است که صندوق بین المللی پول در سال ۱۹۹۱ تحولات نئولیبرالی اقتصادی را در کشورهای تونس و مصر از طریق رژیمهای حاکم پیاده کرده و حاصل آن جز افزایش بهای سرسام آور کالاهای مورد نیاز مردم، خصوصی سازیها، صرفه جوییهای اقتصادی، رشد بیکاری و شکاف عظیم طبقاتی نبوده است. صندوق بین المللی پول بارها از الگوی "موفق" کشورهای مصر و تونس سخن گفته است. این "الگوی موفق صندوق بین المللی پول و بانک جهانی" همه تحت هدایت رژیمهای وابسته و... ادامه در صفحه ۹

دست امپریالیستها از ایران کوتاه باد

توفان بر فراز کشور ...

نیمه مستعمره مصر و تونس و... صورت پذیرفته است. این رژیمها سالهاست که به اوامر و دیکته امپریالیست آمریکا و همینطور اتحادیه اروپا کمر همت بسته اند و به عنوان خادمان امپریالیسم انجام وظیفه کرده اند. اختلاف طبقاتی به اندازه ای در این ممالک رشد کرد که دیگر زندگی برای توده زحمتکش غیرقابل تحمل گردید و لذا تلنگری لازم بود تا توفان آغازین کند. خود آتش زنی جوان تونس جرقه ای بود که به حریق در تونس، مصر، یمن، اردن و... تبدیل گردید.

توفانی که بر فراز کشورهای آفریقای شمالی و خاورمیانه به پرواز درآمد نه تنها تمامی رژیمهای منطقه را تکان داد، بلکه امپریالیستها بویژه امپریالیست آمریکا را به وحشت مرگ انداخت. اهمیت استراتژیک مصر در شاخ آفریقا و خاورمیانه بعنوان متحد قابل اتکاء و پایدار امپریالیست آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل بویژه در سرکوب خلق فلسطین غیر قابل کتمان است. از این رو اکنون امپریالیست آمریکا چون ماری زخم خورده به فکر چاره است تا با طرحهای ارتجاعی مانع تداوم و عمق گرفتن نهضت انقلابی مردم گردد. کنترل تغییرات اوضاع و حفظ ارتش و سازمان اطلاعات و از سوئی اجرای اصلاحاتی جزئی در بالا از جمله تاکتیک آمریکا در شرایط کنونی است. حمایت از البرادعی و پیشنهاد یک حکومت ائتلافی با سران رژیم مبارک یکی از طرحها و مانورهای سیاسی آمریکا برای برون رفت از بحران فعلی است. آمریکا با استفاده از تجارب موفق خود در خرابکاری در نهضت اندونزی و فیلیپین که سرانجام مانع نضج گیری و تکامل جنبش گردید می خواهد با همان شیوه و دخالتهای آشکار و پنهان جنبش انقلابی مردم در مصر و تونس، یمن و... را به انحراف ببرد. ازین رو وظیفه ای بس سنگین بر دوش نیروهای مترقی و استقلال طلب و بویژه کمونیستهای این کشورهاست که هشیارانه عمل کنند و جنبش دمکراتیک و عدالتجویانه را در پیوند با مبارزه علیه امپریالیستها و ابزارهای نو استعماری آنها، مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بی پیش برند. در تونس حزب کمونیست کارگران با اتخاذ سیاستی خردمندانه بر وحدت نیروهای انقلابی و ترقی خواه و مبارزه علیه سیاستهای امپریالیستی و ویرانگر نئولیبرالی و همینطور قطع رابطه دیپلماتیک با رژیم نژاد پرست و صهیونیستی اسرائیل تاکید کرده و این سیاست در برنامه جبهه ۱۴ ژانویه که متشکل از چند حزب و گروه سیاسی است به روشنی منعکس شده است.

مبارزات قهرمانانه مردم مصر و سایر مردم عرب بیشک بر ضد رژیم جمهوری اسلامی هم هست. بی دلیل نیست که سید علی خامنه

ای در نماز جمعه اخیر و از سر ترس دچار هذیان گوئی شد و مردم مصر را به استقرار نظام جمهوری اسلامی تشویق نمود. این درحالیست که جنبش دمکراتیک و عدالتجویانه مردم مصر همانند جنبش دمکراتیک مردم ایران در ۲۲ خرداد ۸۸ هیچ نشانی از مطالبات مذهبی ندارد. این جنبش با فریاد نان، آزادی و عدالت اجتماعی آغاز شده است. لیکن برخورد حاکمیت جمهوری اسلامی و رژیم مبارک در سرکوب توده های به ستوه آمده بسیار شبیه بهم است. اگر داروسته اوباش مبارک با قمه و شتر و اسب به میدان آمدند و با کشتار دهها نفر و هزاران زخمی مذبحخانه کوشیدند تا آتش خشم مردم را خاموش سازند، رژیم شاه در ایران با چاقوکشان شعبان بی مخ به میدان آمد و رژیم جمهوری اسلامی نیز با بسیج موتور سواران و لباس شخصیهای قمه بدست و تیر اندازی از بالای بام و ایجاد رعب و وحشت و قتل و شکنجه کوشید به اهداف ردیالنه اش برسد. این دو رژیم در سرکوب و پستی و خیانت به ملت همزاد یکدیگرند، ماهیثشان ضد بشری و بربرمنشانه است. در پاسخ به اراجیف سید علی خامنه ای و خواست استقرار جمهوری اسلامی در مصر یکی از سخنگویان اخوان المسلمین فورا اعلام داشت که "حکومت آینده مصر اسلامی نخواهد بود، نهضت مصر به همه مردم مصر تعلق دارد." در همین رابطه تتی چند از افراد اسلامی در تونس نیز سخن گفتند که خواهان ادغام دین با دولت نیستند و انقلاب تونس به همه ملت تعلق دارد. سخننان خامنه ای در نماز جمعه و دعوت از مردم مصر به استقرار نظام اسلامی ناشی از ترس او از بروز انفجار مشابه در ایران است و جز این نیست.

اما آنهایی که در اشکال مختلف قیام برحق مردم مصر را با مارک اسلام سیاسی تخریب می کنند و مدام بر طبل اینکه اگر "اسلامیستها بر سر کار آیند..." می کوبند. یا نادانند و یا از نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی خط می گیرند زیرا در عمل مردم را به پذیرش رژیم مبارک دعوت می کنند. نقش خائنانه آنها این است که اساسا برای حق تعیین سرنوشت ملتها بدست خودشان اعتقادی ندارند. آنها تنها با آن حق سرنوشتی موافقت که منافع اسرائیل و آمریکا و طبقه حاکمه ارتجاعی این ممالک را تامین کنند. آنها با حق تامین منافع خودشان موافقت و بدورغ و ریاکاری خود را هوادار انتخابات آزاد جا می زنند. ریاکاری آنها در همین عبارت معلوم می شود که خود را مدافع "آزادیهای بی قید و شرط" جا می زنند ولی وقتی پای منافع ملتها به میان می آید از حمایت از آنها سرباز می زنند. جنبش انقلابی که در طی یک ماه اخیر آغاز شده است در کلیتیش یک نهضت خودجوش است، هنوز دارای رهبری نیست. دیکتاتوری سی ساله در مصر و بیست و سه سال دیکتاتوری در تونس اجازه

سازماندهی به مردم و تشکلات سیاسی را نداده است. از این رو نیروهای انقلابی باید برای پیروزی، در انقلاب مردم فعالانه شرکت کنند و به مردم آموزش سیاسی دهند. باید در روند انقلاب شعارهای صحیح را طرح و تلاش نمایند که رهبری مبارزه را کسب کنند. هر کس خانه نشین شود و بگوید رهبری دست اسلامی هاست من ترجیح می دهم حسنی مبارک سرکار بماند خائن به مردم خودش و مردم منطقه است. پیروزی همیشه با مبارزه همراه است. خانه نشینها هرگز کاری از شان ساخته نیست. انقلاب در ممالک عربی ضربه هولناکی به اسرائیل و امپریالیسم در منطقه است. جنبش فلسطین اوج می گیرد. تجاوز اسرائیل به لبنان منتفی می شود. صهیونیستها باید حساب کار خودشان را بکنند و آمریکائیها باید گورشان را از عراق و افغانستان بکنند و بروند. منطقه بهم ریخته است و این نفع مردم منطقه است. دوستان و عمال اسرائیل و تمام رسانه های غربی مردم را از هیولای اسلام در این ممالک می ترسانند تا از این مبارزات حمایت نکنند. بر نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستهاست که به افشای عمال اسرائیلی چه در ایران و چه در جهان که مرتب می گویند مشکل جهان اسلام سیاسی است بپردازند. مبارزه مردم عرب دفاع کنند. از هم اکنون امپریالیستها دست بکار شده اند قهرمانان نجات قلابی نظیر البرادعی برای مصریها و یا برای تونسهای ها که رهبری جنبش در دست نیروهای دمکراتیک است بسازند تا

صدمه ای به اسرائیل و سیاست راهبردی امپریالیستها وارد نشود. باید خلقهای عرب هشیار باشند پیروزی آنها پیروز ملتهای ایران و عربستان سعودی هم هست. مارکسیست لنینیستها باید در این نبرد عظیم طبقاتی پیشاپیش جنبش حرکت نمایند و با رهبری صحیح آن را به سرانجام برسانند. تنها در این صورت است که جنبش به پیروزی نهایی نائل خواهد آمد.

نکته دیگری که مبارزه قهرمانانه ملتهای عرب بر ملا کرد ریاکاری امپریالیستها و صهیونیستهاست. کسانیکه تا دیروز از این رژیم های آدمخوار حمایت می کردند و برایشان سنگ تمام می گذاردند و برای حقوق بشر ارزشی قایل نبودند و قلداری صهیونیستها را در قتل عام مردم فلسطین تأیید می کردند و در محاصره ۱/۵ میلیون فلسطینی به جرم گزینش حماس در یک انتخابات آزاد شرکت داشتند بیکباره این نوکران خویش را دیکتاتور می نامند و بیکباره از نقض حقوق بشر سخن می رانند توگویی که آنها خوابنا شده اند. این ریاکاری نه از آن جهت است که آنها هوادار حقوق بشر و دموکراسی شده اند. خیر! آنها برای فریب مردم عرب و ملتهای غرب سعی می کنند با ملتهای ... ادامه در صفحه ۱۰

پیوند جوانان، زنان، روشنفکران با طبقه کارگر از شرایط پیروزی بر نظام است

توفان بر فراز کشور ...

عرب هم آوا شوند و مجددا راه را برای تثبیت آدمخواران هموار نمایند.

آنها بویژه در مصر با کمک مبارک چاقوکشانشان را به میدان آوردند تا مبارزین را سرکوب کنند. ارتش بی تفاوت به مسئله برخورد می کند. پس از اینکه هجوم مردم ادامه یافت و این تاکتیک ننگین با شکست روبرو شد به ارتش دستور دادند نقش میانجی و عامل صلح و قهرمان نجات ملی را ایفاء کند که عاملی برای جلوگیری از هرج و مرج است. ارتش مصر سراپا آمریکائی است. هزاران نفر سران آن در آمریکا دوره دیده و با سران ارتش آمریکا در تماسند. هر روز نیز از آمریکا اتخاذ تصمیم می کنند. ارتش مصر وظیفه اش در شرایط کنونی فریب دادن مردم است تا حاکمیت بتواند سر فرصت از گنجی بدر آمده جلوی رشد جنبش را گرفته و با کنترل جنبش، جنبش را توسط عوامل خویش به کجراه برد. سران صهیونیست با این تصمیمات هم دهان مبارک هستند. این تجربیات نشان می دهد که مبارزه خلقهای خاورمیانه و از جمله ایران اگر بخواهد به نتیجه برسد باید نه تنها علیه رژیمهای مستبد حاکم بلکه علیه امپریالیسم و صهیونیسم نیز مبارزه کند و گرنه امپریالیستها و صهیونیستها جنبش را به بیراهه می کشند. در ایران نیز از هم اکنون عمال آنها فعالند و می خواهند آمریکا و اسرائیل را از زیر ضربه مبارزین نجات دهند. آنها مزورانه خود را پشت مبارزه با جنایات جمهوری اسلامی پنهان می کنند و نمی گذارند مردم میهن ما از مبارزات مردم این ممالک حمایت کنند. آنها برای همدردی با مردم سایر ممالک وقت ندارند ولی از همه جهان می خواهند که مبارزه مردم ایران را بر ضد جمهوری اسلامی مورد حمایت قرار دهند. وقتی مچ آنها را می گیرید عربده می کشند که ما ایرانی هستیم و باید علیه مستبدین خودمان بجنگیم و در امور داخلی سایر ممالک دخالت نکنیم. همین سیاست نقاب عوامفریبی آنها را می درد و دستشان را رو می کند. هر مدعی مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی الزاما انقلابی نیست می تواند عامل آمریکا و اسرائیل هم باشد این است که ایرانیان میهنپرست، انقلابی، دموکرات و کمونیستها باید مواظب این جاسوسان باشند.

زنده باد مبارزات قهرمانانه خلقهای عرب**علیه ارتجاع و امپریالیسم و صهیونیسم****حزب کار ایران (توفان)**

بهمن ماه ۱۳۸۹

ایران و سیاست خارجی...

و جهانخواران همیشه وجود داشته است و خواهد داشت.

همکاری با ونزولا، بولیوی، نیکاراگوئه،

کوبا، برزیل، کره شمالی، سوریه، ترکیه، ممالک افریقائی و دادن امتیاز به آنها الزاما سیاست نادرستی نیست. همه ممالک جهان در عرصه سیاست خارجی به چنین مانورهای دست می زنند و یار گیری می کنند. مگر امپریالیستها در زمان تجاوز عراق به ایران با یار گیری و فشار و تهدید و اهداء نان قندی، ممالک همسایه و جهان را علیه ایران تحریک نکرده بودند؟ ما در منطقه با سیاست خارجی عربستان سعودی روبرو هستیم که با مخارج گزاف بر ضد ایران یارگیری می کند، همین کار را سالها امپریالیستهای آمریکا و اروپا در رقابت با ابر قدرت روسیه در سابق انجام داده و ادامه می دهند. اشکال کار در ایران بر سر اصل مسئله نیست این مشکل از آنجا تولید می شود که این سیاست خارجی با سیاست داخلی مناسباتی منطقی و روشن و با دورنمایی ندارد.

نمی شود در داخل با اتخاذ سیاستهای اقتصادی اشتباه، ایجاد تورم، رشوه خواری و دامن زدن به فساد و حیف و میل ثروت عمومی به مردم گرسنگی داد و در خارج به بذل و بخشش پرداخت و این بذل و بخششها را برای تبلیغات سیاسی بزرگمانی نیز نمود. آنوقت این پرسش مطرح می شود که هدف از این امتیاز دادنها چیست؟ رژیمی که ارکانش از دورن بلرزد هرگز نمی تواند با دادن امتیازات خارجی خود را بر سر پا نگاه دارد. بزرگترین متحد هر رژیمی باید مردم کشورش باشند و با تکیه بر این مردم است که باید متحد خارجی را حتی اگر ضروری باشد با دادن بزرگترین امتیازات برای حفظ منافع داران مدت بزرگتری جلب نمود. در سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی امتیاز دانهای خارجی که حتی در شرایط وجود یک دولت انقلابی و دموکراتیک در ایران هم نمی توان بطور کلی از آن چشم پوشید بتدریج حکم رشوه دهی را پیدا کرده است. هر کس با شامه تیزش درک می کند که رژیم ایران مورد احترام و علاقه مردم نیست، هر کس درک می کند مردم از رژیم جمهوری اسلامی بیزارند و این رژیم از مردمش بیشتر هراس دارد تا هیولاهای بیگانه. هر کس که دیواری کوتاه تر از دیوار ایران نمی یابد، آن کس دست تکدیش به طرف ایران درازتر و برای دربوزگی به ایران می آید. پاره ای از این متحدین موقت و مشکوک، ایران را بازی می دهند و با گرفتن امتیازات فراوان به تعهداتشان عمل نمی کنند. تنها یک رژیم منزوی و متزلزل و بی پایه ناچار است این خفت را بپذیرد و با سخنان نسجیده و ادبیات بی ادبانه خویش را تسکین دهد. هم سیاست خارجی را ببازد و هم در سیاست داخلی دچار ورشکستگی شود.

اینکه رژیمی سعی کند با دادن امتیاز به سایر ممالک و یارگیری جهانی حلقه محاصره اقتصادی و سیاسی دور ایران را بشکند کار نادرستی نیست و طبیعتا چنین سیاستی بهای

خویش را دارد ولی درجه موفقیت چنین سیاستی صرفا نمی تواند جنبه خارجی داشته باشد باید متاثر از داخل و تحقق حقوق دموکراتیک مردم باشد. بی توجهی به حقوق مردم در درون، آرایش دیوارهای سیاست خارجی را در بیرون در هم می شکند.

دروغهای امپریالیسم و صهیونیسم...

در خدمت همکاری با آمریکا برای سرنگونی مشترک جمهوری اسلامی گذارده است، تو گوئی مردم ایران به نیروهای که به کمک آمریکا و اسرائیل در ایران بر سر کار آیند اعتمادی دارند و برایشان تره خورده می کنند. اگر این را بپذیریم باید شاه امروز در ایران حکومت می کرد.

پاره ای از ایرانیان فریب خورده و یا خودفروخته اپوزیسیون راه افتاده بودند و برای پایمال کردن حق مسلم مردم ایران در فراگرفتن دانش غنی سازی اورانیوم مرتب در تبلیغات خود از بمب موهومی اتمی ایران سخن می راندند و مسئله غنی سازی اورانیوم را عامدانه با مسئله ساختن بمب اتم مخلوط می کردند. آنها مرتب به خطر جمهوری اسلامی با بمب اتمی ثابت نشده اشاره می کردند ولی خطر اسرائیل متجاوز و اشغالگر و یا آمریکای جنایتکار را که دارای صدها بمب اتمی هستند از تیر رس انتقاد مردم دور نگاه می داشتند. آنها سنگ را بسته و سگ را رها کرده بودند. آنها نسیه را گرفته و نقد را ول کرده بودند. حقیقتا چه بدبختانی این ایرانیان خودفروخته هستند که تا کنون آب به آسیاب امپریالیستها و صهیونیستها می ریختند و می ریزند و قادر نیستند مصالح ملی کشورشان را از ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی جدا کنند. ایران جمهوری اسلامی نیست. ایران با مردمش جاودانی است و پایدار در حالیکه شاه و شیخ موجوداتی میرا و ناپایدارند. نمی شود به بهانه مبارزه با جمهوری اسلامی با ایران مبارزه کرد و خواهان بمباران ایران و نابودی ایران شد تا جمهوری اسلامی از بین برود. نمی شود خواهان آن شد که حق اکتشاف و اختراع و تحصیل از جوانان و دانشمندان ایران گرفته شود زیرا در ایران یک رژیم جنایتکار بر سر کار است. علوم و دستاوردهای آن برای ما می مانند و زمینه هایی خواهند بود تا مردم میهن ما بتوانند در آینده برای تامین استقلال کشورشان حتی از نظر اقتصادی و تامین انرژی آتی بدان متکی شوند. ما بارها در اینمورد مطالب نوشته ایم و در کنگره چهارم حزب کار ایران (توفان) هم به آن پرداخته ایم و در اینجا قصد نداریم همه استدلالات خود را که به گوش خودفروختگان وطنی نمی رود تکرار... ادامه در صفحه ۱۱

زندان و شکنجه و اعدام از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بر می خیزد

دروغهای امپریالیسم و صیهونیسیم...

کنیم. در اینجا می خواهیم در تائید سخنان قبلی خود به اسناد اشاره کنیم.

جریان از این قرار است که نشریه وال استریت ژورنال از قول مقامات جاسوسی آمریکا اعلام کرده است: "ایران گرچه کار مربوط به پژوهش و تحقیقات در مورد اسلحه اتمی را مجدداً آغاز کرده است، ولی شواهدی دال بر آن وجود ندارد که واقعا برنامه ای برای ساختمان آن دارد." نشریه زود دوپچه تسایونگ که این خبر را در شماره ۱۹ تا ۲۰ فوریه ۲۰۱۱ خود نقل کرده است خود اضافه می کند: "باین ترتیب آمریکانها به سمت نظریه اغلب سازمانهای جاسوسی اروپا کشیده شدند. این سازمانها بر آنند که رهبران سیاسی در ایران هیچ تصمیم سیاسی مبنی بر ساختن بمب اتمی نگرفته اند. ایران خواهان کسب همه مقدمات دستیابی به این امر می باشد. ایران بر اساس نظر آنها همه ابزارهای لازم به جز ماده اورانیوم قابل تجزیه را برای این کار دارا می باشد."

در همین زمینه در سال گذشته نیز کارشناسان انرژی هسته ای اعلام کرده بودند ایران تلاش دارد تا از نظر دستیابی به فن آوری هسته ای به حد ژاپن و آلمان و پاره ای ممالک دیگر برسد که در عین اینکه فاقد بمب اتمی هستند ولی فناوری لازم برای ساختن آن در اسرع وقت را دارا باشند.

حال اگر اکثریت سازمانهای جاسوسی حتی موساد اسرائیل به این مسئله از مدتها قبل واقف بودند پس چرا این همه جنجال بین المللی برای جلوگیری از بمب اتمی موهومی آخوندها بر سر زبانها بود. البته بمب اتمی "اسلامی" در پاکستان موجود است که مخارج عمده ساختمان آنرا عربستان سعودی پرداخته است. چگونه می شود تصویب عامدانه چهار قطعنامه غیرقانونی را در شورای امنیت

هیچ ملتی احتیاج به آقا بالا سر ندارد. ولی انتشار اسناد جدید بار دیگر دروغهای ممالک امپریالیستی را افشاء کرد و آبروی جاسوسان ایرانی خود فروخته را از بین برد. علیرغم این امپریالیستها چون مسئله شان بمب اتمی نبوده بلکه اصل دستیابی به فن آوری هسته ای و حفظ سلطه بر منابع انرژی است حاضر نیستند به محاصره اقتصادی ایران پایان دهند. این مجازات برای سرمشق دیگران است. همان روشی که در نوار غزه برای مجازات فلسطینیها بکار می برند.

مردم ایران باید از حقوق قانونی خویش دفاع کنند و این مستقل از نوع رژیمی است که در ایران بر سر کار است.

توفان درتوییت
Toufanhezbkar
حزب کار ایران (توفان)
درفیس بوک

Toufan HezbeKar

facebook



Name:
Toufan HezbeKar
Email:
toufan@toufan.org
Status:
None

سازمان ملل بر ضد همه ممالک غیر متعهد و نه تنها ایران توضیح داد. هم اکنون بر اساس این قطعنامه های غیر قانونی ایران در محاصره اقتصادی قرار دارد. در کنار این محاصره اقتصادی غیر قانونی، ممالک اروپائی حتی مغایر سنن دیپلماتیک و موازین حقوقی جهانی سازمان ملل دومی در کنار سازمان ملل ایجاد کرده اند که مشترکا بر ضد کشوری دست بکار شوند و محاصره اقتصادی را تشدید نمایند. کنترل داد و ستد ارزی و بستن حسابهای ایران به این مفهوم است که ایران حق ندارد دارو و غذا به ایران وارد کند. وقتی ایران نتواند از طریق بانکی پول کالاهای خریده شده را بپردازد کسی حاضر نیست به ایران جنس بفروشد و این اجناس اجناس دو منظوره نیستند که از فروش آنها خود داری شود، اجناسی هستند که مردم ایران برای ادامه زندگی به آن نیاز دارند. امپریالیستها می خواهند از ایران نوار غزه دوم بسازند زیرا اساس کارزاری که آنها راه انداخته اند ممانعت از ساختمان بمب اتمی نیست که خود صدها تایی آنرا در انبارهای خویش دارند، بلکه ممانعت از گسترش دانش هسته ای است تا ممالک دنیا نتوانند انحصار تولید انرژی هسته ای را از دست آمریکا و متحدینش خارج کنند. روزی نفت به پایان می رسد و اگر کشوری از ده ها سال قبل خود را برای چنین روزی آماده نکرده باشد، مرگش قطعی است. باید برده آمریکا شود. ماهیت این نزاع بر سر انحصار انرژی جهانی است، بمب اتمی ایران در این میان بهانه ای بیش نیست. از این گذشته، اینکه ملتی حق داشته باشد بمب اتمی داشته باشد و یا نداشته باشد به آمریکا و اسرائیل مربوط نیست خود آن ملت با بحث آزادانه و با تحقیقات صمیمانه و کارشناسانه با اراده آزاد خود تصمیم می گیرد چه چیز به نفع و چه چیز به ضررش است.

(توفان الکترونیکی شماره ۵۶ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)

در این شماره میخوانید:

۱- عربده کشی های رژیم نشانه وحشت او از مردم است ۲- توفان بر فراز کشورهای عربی و ریا کاری امپریالیستها و صیهونیستها و عمال ایرانی آنها ۳- مبارک فرار کرد اما نظام نامبارکش هنوز پابرجاست ۴- جان منصور اسالو درخطر است ۵- بازهم پیرامون انفراد منشی و انضباط حزبی ۶- زادروز یک حماسه، سند جنایت رژیم پهلوی ۷- سید علی داوطلبانه و با میل خود نمی رود ۸- طنز تاریخ دوانقلاب در ۲۲ بهمن، انقلاب ایران و انقلاب مصر ۹۰- دیگ به دیگ میگه.... سیاه است!

توفان الکترونیکی

مارس ۲۰۱۱

اسفند ماه ۱۳۸۹

شماره ۵۶

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org

مردم چرا نشستین ایران شده فلسطین

دروغهای امپریالیسم و صهیونیسم پیرامون بمب اتمی ایران برملا شد

اخیرا رسانه های گروهی غرب اسنادی منتشر کرده اند که بسیار مهم و افشاء کننده است. انقلابات مردم خاورمیانه و توجهی که توسط افکار عمومی و بویژه مردم منطقه به این مبارزات مبذول می شود به یاری رسانه های گروهی امپریالیستی آمده تا از دامن زدن به بحث مربوط به این اسناد در افکار عمومی خودداری کنند و براحتی از کنارش بگذرند. شتر دیدی ندیدی، سیاست کنونی آنهاست. ولی ما ایرانی ها نمی توانیم نسبت به آنچه که مربوط به وطن ما و به سرنوشت مردم میهن ما می باشد بی تفاوت باشیم. ما باید همه شترها را ببینیم حتی اگر نشسته باشند.

چندی پیش رئیس سازمان جاسوسی موساد در آستانه بازنشستگی خود از شاهکارهای سخن راند و در گرماگرم تعریف و تمجید از خودش که چگونه از پس رژیم جمهوری اسلامی بر آمده بطور ضمنی اعلام کرد که سازمانهای جاسوسی اسرائیل، آمریکا همراه با متحدینشان توانسته اند با ارسال یک کرم کمپیوتری به داخل نرم افزارهای سیستمهای شتابدهنده چرخه های سوخت غنی سازنده اورانیوم در ایران تعداد ۹۰۰ عدد از این چرخه ها را از بین برده و امکان ساختمان بمب اتمی را برای ایران تا سال ۲۰۱۵ به تاخیر بباندازند. رئیس موساد در همین کنفرانس با زبان دیپلماتیک و مودبانه اعلام کرد که دانشمندان اتمی ایران را نیز موساد ترور کرده است. این اقدامات از خرابکاری گرفته تا جاسوسی و ترور دانشمندان اتمی ایران که تعدادشان محدود است بخشی از فعالیت سازمانهای جاسوسی ممالک غربی گویا برای ممانعت از مجهز شدن ایران به بمب اتمی است؟! البته امپریالیستها و صهیونیستها توسط فریادهای گوشخراش رسانه های انحصاری گروهی خویش سالهاست که اعلام می کنند ایران تا یک، دو، سه، چهار سال دیگر و یا هشت ماه دیگر، برحسب اوضاع سیاسی و مصلحتهای سیاست روز، به بمب اتمی دست می یابد و از این طریق هم تنور جنگ را گرم نگاه می دارند و هم به تحریک علیه ملت ایران و دستاوردهای مردم ایران مشغولند و جمهوری اسلامی را که بهر صورت در تاریخ ایران پدیده ای میرنده است بهانه می کنند تا ایران را به قهقراء سوق دهند و از پیشرفتهای ایران جلوگیری کنند. آنها تا کنون به بهانه خطر بمب اتمی ایران و تهدید اسرائیل و همسایگان ایران از این بابت نه تنها همسایگان ایران را بر ضد ایران شورانده اند، بطوریکه مصر، مبارک و امارات شیوخ و عربستان سعودی خواهان تجاوز مستقیم به ایران برای پایان دادن به برنامه اتمی ایران شده اند، بلکه چهار قطعنامه غیر قانونی در شورای امنیت سازمان ملل متحد به زور و تهدید سایر ممالک و یا دادن رشوه به آنها علیه ایران از تصویب گذرانده اند.

بنظر نمی رسد لازم باشد به نمایشات دیپلماتیک امپریالیستها و تبلیغات نکبت آفرین و نفرت آمیز آنها در عرصه های جهان اشاره کرد ولی هر ایرانی میهنپرستی می داند که رسانه های گروهی غرب سالهاست به تحریک و دروغ مشغولند و حتی از تحصیل دانشجویان ایرانی در رشته فیزیک هسته ای در خارج جلوگیری می کنند و مثنی ایرانی خود فروخته نیز که خود را اپوزیسیون ایران می خوانند از این دروغهای امپریالیستی حمایت کرده اند. سازمان مجاهدین خلق حتی به جاسوسی خود افتخار می کند و اگر تا دیروز برای صدام این کار را می کرد امروز به بهانه یک نیروی رادیکال خواهان براندازی رژیم جمهوری اسلامی، همه ی هم و غم خود را ... ادامه در صفحه ۱۰

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the
Party of Labour of Iran

No. 132- Mar. 2011

ایران و سیاست خارجی

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار
ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب

شکستن حلقه محاصره دشمن و بیرون کشیدن ایران از حلقه محاصره علی-الاصول کار درستی است. هر رژیم مستقلی که در ایران بر سر کار آید و نخواهد یوغ امپریالیستها را بپذیرد و بخواهد بهره برداری از منابع طبیعی خویش را مستقلا انجام دهد و اداره اش را خود بعهده گیرد در محاصره اقتصادی قرار خواهد گرفت. تجارب در این زمینه بی شمار است. محاصره غیر قانونی کوبا، نیکاراگوئه، ویتنام، کره شمالی، لهستان در گذشته، شوروی سوسیالیستی سابق و سوسیال امپریالیستی بعدی، چین و آلبانی سوسیالیستی، محاصره عراق و فلسطین، محاصره ایران در زمان دکتر مصدق، عراق و... از جانب امپریالیستها... ادامه در صفحه ۱۰

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظرمدای و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی رسانید، زیرا ما تنها با اتکا بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هرچند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پست مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany